

بازرسی کالا و اخطار عدم انطباق آن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران

ابراهیم شعاریان^{*}، فرشاد رحیمی^۲

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۲. دستیار پژوهش در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه دنور، کلورادو، آمریکا

پذیرش: ۹۳/۳/۳

دریافت: ۹۲/۱۰/۲۴

چکیده

انطباق کالای موضوع معامله با شرایط پیش‌بینی شده در قرارداد یکی از عناصر اصلی ایفای صحیح تعهدات قراردادی از جانب فروشنده تلقی شده و در صورت غیر منطبق بودن کالا با قرارداد، طرف مقابل از حقوقی برخوردار خواهد بود که لازمه استناد به آن بازرسی کالا و کشف عدم انطباق و ارسال اخطار آن به بائع است. برخلاف تصور رایج، مفهوم بازرسی کالا منحصر در بازرسی کیفیت مبیع نیست، بلکه به کمیت، بسته‌بندی و مواردی از این قبیل نیز توسعه می‌یابد. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مواد ۳۸ و ۳۹ احکامی را به ترتیب برای بازرسی کالا و ارسال اخطار عدم انطباق پیش‌بینی کرده است. در این مقاله تلاش شده ضمن بررسی موضوعات پیرامون بازرسی کالا و اخطار عدم انطباق از دیدگاه کنوانسیون، حقوق ایران نیز مورد مطالعه تطبیقی قرار گیرد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که علیرغم سکوت قانونگذار مدنی، مقررات کنوانسیون مغایرتی با مبانی و اصول حقوقی ما ندارد و مانعی در راه الحاق ایران به کنوانسیون از این منظر به نظر نمی‌رسد.



واژگان کلیدی: بازرسی کالا، اخطار عدم انطباق، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حقوق ایران، رویه قضایی

۱. مقدمه

موضوع انطباق کالا با مفاد قرارداد از چالش‌هایی است که طرفین در قراردادهای بیع با آن روبه‌رو هستند و به دلیل اهمیت بی‌شائبه آن کنوانسیون در مواد ۳۸ و ۳۹ احکامی در این خصوص پیش‌بینی کرده است. ماده ۳۸ کنوانسیون با موضوع بازرسی کالا و ماده ۳۹ با ارسال اخطار عدم انطباق ارتباط پیدا می‌کند.

ماده ۳۸ کنوانسیون احکامی را درخصوص بازرسی کالا برای هر دو فرض قرارداد متضمن حمل و غیر آن پیش‌بینی کرده است که در هر دو فرض، معیار زمانی قابل اعمال، کوتاه‌ترین زمان ممکن برحسب شرایط و اوضاع و احوال است. ماده ۳۹ کنوانسیون نیز به ضرورت ارسال اخطار عدم انطباق ظرف مدت معقول تصریح کرده است. اما لازم به ذکر است که احکام پیش‌بینی شده در مواد مذکور از صراحت کافی برخوردار نیستند و درخصوص موضوعاتی مانند طرق و قلمرو بازرسی، مکان انجام امر بازرسی و همچنین متعهد پرداخت هزینه‌های بازرسی ساکتند. در ارتباط با بازرسی کالا نیز مسائلی از قبیل مفاد و شکل اخطار، آغاز مهلت ارسال اخطار، مخاطب و عامل ارسال اخطار نیازمند بررسی است که ذیل هر یک از عناوین مستقل بدان‌ها پرداخته شده است. در بخش سوم مقاله نیز موضع حقوق ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. بازرسی کالا در کنوانسیون بیع بین‌المللی

۲-۱. نحوه بازرسی و گستره آن

منظور از نحوه بازرسی کالا تعیین حدود و ثغور امر بازرسی است. درخصوص گستره امر بازرسی در ابتدا باید بیان داشت که به منظور جلوگیری از هرگونه تخلف

احتمالی فروشنده، امروزه گستره بازرسی کالا افزایش یافته و علاوه بر بازرسی کمیت، کیفیت، بسته‌بندی و بازرسی علائم تجاری کالا، به ضرورت ارائه گواهی بازرس از بارگیری کالا به انضمام تصاویری که نشانگر ورود کالا به گمرک است نیز تصریح می‌شود. بازرسی اخیرالذکر می‌تواند به دلایل مختلف انجام گیرد که بررسی و کنترل گواهی مبدأ، بررسی و کنترل مطابقت کالا با مقررات ملی، اطلاعات راجع به قیمت برای ارزیابی و تعیین قیمت پایه برای گمرک و اهدافی از این قبیل از جمله این اهداف است [۱، ص ۴۶].

قاعده کلی در تعیین حدود و ثغور امر بازرسی توافق طرفین قرارداد است. اما در فقدان هرگونه توافق صریح در این خصوص، بازرسی کالا با ارجاع به عرف و عادت صورت خواهد گرفت [۲، ص ۱۵۱]. با وجود این در مواردی که قرارداد نسبت به معیار بازرسی ساکت است و عرف و رویه تجاری خاصی نیز میان طرفین وجود نداشته باشد، اظهار عقیده شده که بازرسی باید با توجه به تمام شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه و به صورت معقول (در معنای خود کنوانسیون) انجام شود [۳، ص ۱ تا ۷۴]. نوع و ماهیت کالا، محل بازرسی و بسته‌بندی کالا از جمله شرایط و اوضاع و احوالی است که در معقول بودن امر بازرسی مورد توجه قرار خواهد گرفت [۲، ص ۱۵۱].

اما یکی از موضوعات مهم در رابطه با امر بازرسی ماهیت عیوبی است که باید به واسطه بازرسی کشف گردد. در این خصوص اظهار عقیده شده است که میزان بازرسی باید به گونه‌ای باشد که در کمترین زمان ممکن، هدف از انجام بازرسی کالا را که کشف عدم انطباق احتمالی است برآورده سازد. اما لازم نیست بازرسی به شکلی باشد که هرگونه عدم انطباق قابل تصور را آشکار سازد [۴، ص ۲۰۸].

همچنین باید مشخص کرد که خریدار یا شرکت بازرسی و کنترل کالا نسبت به بازرسی چه مواردی اقدام خواهد کرد. برای پاسخ به این سؤال باید به مفاد ماده ۳۵ کنوانسیون رجوع شود. به موجب این ماده عدم انطباق کالا شامل مطابق نبودن کمیت،



کیفیت، وصف و بسته‌بندی کالا و مبدأ آن با مفاد قرارداد است. پس لازم است که نسبت به تمامی موارد یاد شده امر بازرسی صورت گیرد. البته باید توجه داشت که تکلیف خریدار به بازرسی کالا به موارد عدم انطباقی نیز که طرفین با عدول از ماده ۳۵ کنوانسیون در قرارداد پیش‌بینی کرده‌اند، تسری خواهد یافت [۵، ص ۱۹۶].

۲-۲. متصدی امر بازرسی

اصولاً بازرسی کالا به عهده مشتری است و او ذینفع حقیقی در امر بازرسی است و نمی‌توان امر بازرسی را به فروشنده محول کرد، زیرا اعتماد خریدار به بازرسی کالا توسط فروشنده ریسک بالایی را برای وی به همراه خواهد داشت و همچنین از لحاظ عملی اثبات این موضوع که بازرسی به نحو درست و شایسته‌ای انجام گرفته است، با مشکل مواجه خواهد شد. با این حال انجام بازرسی توسط طرفین قرارداد به صورت مشترک متصور است. همچنین بازرسی کالا می‌تواند توسط شخص ثالث صورت پذیرد.

باتوجه به بند ۱ ماده ۳۸ کنوانسیون که مقرر داشته است مشتری باید کالا را بازرسی کرده یا موجبات بازرسی آن را فراهم سازد، چنین مستفاد می‌شود که حضور بالفعل خریدار در امر بازرسی کالا ضروری نیست و وی می‌تواند بازرسی را از طریق شخص ثالثی انجام دهد [۵، ص ۱۶۱].

در رویه تجاری بین المللی، بازرسی کالا از طریق سازمان‌های کنترل و بازرسی بسیار معمول و رایج است. با وجود این، در قراردادهای بیع، طرفین باید به صراحت نسبت به چنین امری به توافق برسند. همچنین بازرسی کالا از طریق شخص ثالث بسیار ضروری است، زیرا از یک طرف ممکن است طرفین در زمینه موضوع قرارداد خبره نباشند و از طرف دیگر امکانات لازم برای اقدامات تخصصی در دست نباشد. همچنین ممکن است ارجاع امر بازرسی به یکی از طرفین، موجب نزاع و اختلاف شود.

[۵، ص ۲۰۲]. در این راستا، دیوان عالی اتریش^۱ در رأی خود مقرر داشت، در مورد قراردادی که موضوع آن کالای با حجم زیاد است، برای این‌که خریدار تعهد خود را در بازرسی کالا ایفا کرده باشد، وی باید از کارشناس امر استفاده کند. بنابراین همان‌طور که از رأی دادگاه استنباط می‌شود، استفاده از نظر کارشناس نه‌تنها یک ضرورت، بلکه تحت شرایطی می‌تواند الزامی نیز باشد.

۲-۳. متعهد پرداخت هزینه بازرسی

راجع به عهده‌دار پرداخت هزینه‌های بازرسی به طور کلی می‌توان گفت که در غیاب توافق طرفین یا عرف و عادت، پرداخت هزینه‌های مزبور با خریدار است. با وجود این، اگر قرارداد به علت عدم انطباق فسخ شود، خریدار می‌تواند هزینه‌های مزبور را از طریق ضمانت اجرای خسارت مطالبه کند [۳، ص ۱ تا ۷۴].

اما هنگامی که پرداخت هزینه‌های بازرسی با فروشنده و امر بازرسی با خریدار است این سؤال مطرح می‌شود که آیا خریدار استحقاق دارد با انتخاب بازرس مورد نظر خود، هرگونه هزینه‌ای را به فروشنده تحمیل کند یا خیر؟

در پاسخ باید بیان داشت که توافق طرفین نقش کلیدی در این خصوص ایفا می‌کند، اما در برخی از موارد توافق طرفین نیز مستلزم تفسیر است. در برخی از آرای صادرشده اظهار نظر گردیده که ارائه دیدگاهی مطلق در این خصوص ممکن نیست، بلکه باید در هر مورد جداگانه موضوع را ارزیابی کرد. به‌عنوان قاعده کلی هزینه‌های بازرسی باید معقول بوده، گران‌تر یا ارزان‌تر از حد معقول نباشد؛ اما انجام امر بازرسی در سایه رعایت چنین قاعده‌ای مانع از بازرسی کامل و حرفه‌ای کالا نیست.^۲ به عبارت دیگر در مواردی که کالای موضوع معامله از پیچیدگی فنی خاصی برخوردار

1. Oberster Gerichtshof, Austria, 27.08.1999, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id=480>

2. Oberster Gerichtshof, Austria, 27.08.1999, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id=480>; Landgericht Paderborn, German, 25.06.1996, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id191>.



است که نیاز به بازرسی کامل و در عین حال پرهزینه دارد، به نظر می‌رسد منعی در انجام چنین بازرسی‌ای وجود ندارد و هزینه آن به موجب توافق طرفین به عهده فروشنده خواهد بود.

۲-۴. زمان و مهلت بازرسی کالا

برخلاف ماده ۳۸ اولیس^۱ که معیار زمانی بازرسی ضابطه «بلافاصله» پس از وصول کالا بود، ماده ۳۸ کنوانسیون حاضر آن را به کوتاه‌ترین مهلتی که برحسب اوضاع و احوال عملاً ممکن است تغییر داده است.^۲ طول مدتی که ظرف آن کالا باید بازرسی شود، منوط به اوضاع و احوال هر مورد خاص است. به همین دلیل است که مهلت به روز تعیین نشده، اما این امر مانع از آن نیست که طرفین مهلت معینی را برای انجام امر بازرسی تعیین کنند [۶، ص ۱۵۴].

علیرغم ضابطه کوتاه‌ترین زمان ممکن برحسب اوضاع و احوال در صدر ماده، کنوانسیون در مواردی که قرارداد متضمن حمل کالا است یا هنگامی که مشتری کالا را در جریان حمل به مقصد جدیدی ارسال می‌دارد یا کالا را پس از وصول مجدداً به مقصد دیگری ارسال می‌کند، این امکان را فراهم ساخته که بازرسی کالا تا وصول آن به مقصد جدید به تعویق افتد [۲، ص ۱۵۱].

معیار کوتاه‌ترین زمان ممکن برحسب اوضاع و احوال، یک ضابطه انعطاف‌پذیر است و مهلت بازرسی مطابق با رویه قضایی و دیدگاه شارحین کنوانسیون با توجه به واقعیات هر قضیه می‌تواند متفاوت باشد. در این خصوص، در یکی از آرای صادره بیان شده است که در تعیین مهلت بازرسی باید به وسعت شرکت خریدار، نوع کالایی که باید مورد بازرسی قرار گیرد، پیچیدگی یا قابلیت فساد یا مشخصات کالا به‌عنوان

1. ULIS (Convention Relating to a Uniform Law on the International Sale of Goods)

2. Match-up of CISG Article 38 with ULIS provisions, available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/text/matchup/matchup-u-38.html>

کالاهای فصلی، مقدار کالا و اقدامات لازم برای بازرسی توجه کافی مبذول داشت.^۱ همچنین در یکی از آرای صادر در رابطه با قرارداد بیعی با موضوع گوسفند زنده، دادگاه مقرر داشت که بازرسی کالا یک روز پس از تسلیم، منطبق با معیار ارائه شده در ماده ۳۸ کنوانسیون است. بنابراین ملاحظه می‌شود که اوضاع و احوال قضیه چقدر می‌تواند در ارزیابی معقول بودن مهلت بازرسی نقش داشته باشد.^۲ در همین راستا، مفسرین کنوانسیون بیان کرده‌اند که کوتاه‌ترین زمان ممکن برای بازرسی یک دستگاه پیچیده توسط خریدار با محل تجارت در یک شهر دور افتاده و در کشور در حال توسعه باید متفاوت از کوتاه‌ترین زمان ممکن برای خریدار با محل تجارت در کشوری صنعتی و با زیرساخت‌های ارتباطی و زیربنایی پیشرفته در نظر گرفته شود [۷، ص ۷۸].

همچنان که اشاره شد کنوانسیون در ماده ۳۸ در دو مورد اجازه داده که بازرسی کالا به تعویق افتد. یکی از موارد مزبور بازرسی کالای موضوع قراردادی است که متضمن حمل است. لازم به ذکر است که انتقال ضمان معاوضی در این خصوص مانعی ایجاد نخواهد کرد. بنابراین در فقدان توافق مغایر، خریدار قادر خواهد بود طبق بند ۲ ماده ۳۸ امر بازرسی را تا وصول کالا به مقصد به تأخیر اندازد [۸، ص ۲۷۳]. علت پیش‌بینی چنین حکمی نسبت به قراردادهای متضمن حمل کالا این است که در چنین مواردی غالباً برای خریدار امکان بازرسی کالا در محل تسلیم امکانپذیر نیست یا موجبات دشواری برای او می‌گردد و هدف بند ۲ ماده ۳۸ با شناسایی امکان تعویق در چنین مواردی دادن امکان بازرسی دقیق کالا به خریدار است [۹، ص ۱۶۳].

بند ۳ ماده ۳۸ به دو مورد دیگر که موجب به تعویق افتادن امر بازرسی می‌شود، اشاره کرده است. مورد اول هنگامی است که خریدار، مقصد کالای در جریان حمل را

1. OberlandesgerichtSaarbrücken, Germany, 03.06.1998, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id=357>

2. Landesgericht Flensburg, Germany, 19.01.2001, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id=798>



تغییر می‌دهد^۱ و مورد دوم آن است که خریدار کالا را مجدداً به مقصد دیگری ارسال می‌دارد.^۲ تفاوت دو مورد مذکور در این است که در مورد اول کالا به مقصد تعیین شده در قرارداد نرسیده، ولی در مورد اخیر کالا به مقصد مورد نظر رسیده و ارسال مجدد کالا به مقصد جدید در چنین وضعیتی در دو حالت قابل تصور است. حالت اول ناظر به وضعیتی است که کالای واصل شده به مقصد، مستقیماً از وسیله حمل اول به وسیله حمل دیگری بارگیری می‌شود^۳ و حالت دوم وقتی است که کالا از وسیله حمل تخلیه شده و تسلیم خریدار گردیده است، اما وی بدون آن‌که فرصت معقولی برای بازرسی داشته باشد، آن را به مقصد جدید و با وسیله حمل دیگری ارسال می‌کند^۴ [۱۰، ص ۷۵].

امکان به تعویق انداختن بازرسی در حالت ارسال مجدد کالا (در موردی که کالا به تصرف خریدار داده نشده باشد) به منظور تحت پوشش قرار دادن موردی بوده است که کالا توسط کانتینر حمل شده و بازکردن کالا قبل از وصول به مقصد نهایی نامعقول است.^۵ امکان تغییر مقصد کالای در جریان حمل یا ارسال مجدد آن به مقصد جدید باید در زمان انعقاد قرارداد مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه تعویق امر بازرسی کالا و ارسال اخطار به بایع مبنی بر تغییر ناگهانی مقصد کالا در اختیار مطلق خریدار نیست. در نتیجه اگر امکان تغییر مقصد یا ارسال مجدد کالا به اطلاع بایع نرسیده باشد یا نمی‌توانسته نسبت به تغییر مقصد آگاه باشد، وی مجبور به ملاحظه چنین تغییری وضعیتی نخواهد بود [۶، ص ۱۵۷].

آرای صادره^۶ از سوی محاکم در خصوص مناسب بودن زمان بازرسی در

1. redirect
2. re-dispatch
3. re-dispatch with Transshipment
4. re-dispatch without Transshipment
5. match-up of CISG Article 38 with ULIS provisions, available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/text/matchup/matchup-u-38.html>
6. Oberster Gerichtshof, Austria, 14.01.2002, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id=858>; Arrondissementsrechtbank Zwolle, Netherlands, 05.03.1997, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id=332>

صورت ارسال مجدد کالا نیز حاکی از تفسیر مضیق ماده است که در سه وضعیت قابل ملاحظه است. اولاً امر بازرسی طبق بند ۳ ماده مزبور تنها در صورتی می‌تواند به تعویق افتد که خریدار به‌عنوان صرف واسط عمل کرده یا کالا را مستقیماً به خریداران نهایی ارسال دارد. ثانیاً در فرض اخیر نیز بازرسی تنها در صورتی به تعویق خواهد افتاد که خریدار فقدان فرصت واقعی برای بازرسی تمام کالا را اثبات کند. ثالثاً چنانچه تنها بخشی از کالا به مقصد دیگری ارسال گردد، خریدار هنوز مکلف است باقیمانده کالای تحت تصرف را بازرسی کند [۷، ص ۸۱].

همچنین بررسی آرای صادرشده حاکی از آن است که خریدار در استناد به بند ۳ ماده ۳۸ در توجیه تأخیر در امر بازرسی کالا، بار اثبات این‌که فروشنده از امکان ارسال مجدد کالا به مقصد جدید آگاه بوده و این‌که وی فرصت معقولی در بازرسی کالا قبل از ارسال مجدد به مقصد جدید را نداشته است، بر دوش می‌کشد [۹، ص ۱۶۴].

۲-۵. مکان بازرسی کالا

کنوانسیون درخصوص مکان انجام امر بازرسی ساکت است و دلیل سکوت آن شاید ناشی از این امر است که مکان بازرسی نقش مهمی در بازرسی کالا بازی نمی‌کند، هرچند که ممکن است مکان انجام بازرسی در تشخیص معقول بودن امر بازرسی، به‌عنوان یکی از معیارها مورد ملاحظه قرار گیرد [۲، ص ۱۵۲].

در ارتباط با محل بازرسی کالا نیز طبیعتاً توافق طرفین نقش اولیه و اصلی را بازی خواهد کرد، ولی در فقدان چنین توافقی اظهار شده است که محل انجام بازرسی کالا با استثنای احکام پیش‌بینی شده در بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۸ معمولاً محلی است که تعهد اصلی به تسلیم کالا طبق ماده ۳۱ در آن‌جا صورت می‌گیرد.^۱ در واقع در قرارداد متضمن حمل که امر بازرسی کالا تا وصول آن به مقصد به تأخیر می‌افتد، مکان

1. Landgericht Landshut, Germany, 05.04.1995, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id=121>

بازرسی، مقصد نهایی کالا خواهد بود.

۲-۶. ضمانت اجرای عدم بازرسی کالا

اثر حقوقی خودداری از بازرسی کالا را باید در فرضی که متصدی انجام بازرسی خریدار است و در فرضی که شخص ثالثی برای انجام آن به خدمت گرفته می‌شود به صورت جداگانه بررسی کرد.

قبل از هر چیز باید توجه داشت که بازرسی کالا به معنای واقعی، تعهدی برای خریدار محسوب نمی‌شود و عدم انجام بازرسی توسط او نقض قرارداد محسوب نمی‌گردد [۷، ص ۱۵۴] و عبارت «باید» در قسمت اول ماده ۳۸ به تکلیف خریدار در رعایت مهلت بازرسی مربوط می‌شود، نه اصل بازرسی. بنابراین عدم بازرسی موجب مسئولیت خریدار نیست و بایع نمی‌تواند از این جهت مطالبه خسارت کند. با این حال عدم انجام امر بازرسی می‌تواند واجد اثر دیگری باشد. هرگاه خریدار، از بازرسی کالا امتناع ورزد، دیگر امکان کشف عدم انطباق وجود نخواهد داشت و بر همین اساس وی نخواهد توانست در زمان معقول طبق بند ۱ ماده ۳۹ کنوانسیون، اخطار آن را به بایع ارسال کند و بالقوه تمام حقوق مربوط به عدم انطباق را از دست خواهد داد [۲، ص ۱۴۹]. با این حال از بیان برخی از حقوقدانان [۳، ص ۱ تا ۷۴] چنین استنباط می‌شود که بازرسی کالا موضوعیت ندارد، بلکه جنبه طریقت دارد و بدون بازرسی کالا و آگاهی از عدم انطباق نیز می‌توان به حقوق ناشی از عدم انطباق کالا استناد کرد.

اما در مواردی که خریدار به دلایلی شخصاً امر بازرسی را انجام نمی‌دهد، می‌توان در رابطه با آثار بازرسی ناصحیح کالا بین سه وضعیت انجام بازرسی کالا به ترتیب توسط شخص ثالث منصوب طرفین، فروشنده و خریدار قائل به تفکیک شد. در دو مورد اول، خریدار در صورت عدم بازرسی صحیح کالا همچنان می‌تواند به حقوق ناشی از عدم انطباق کالا استناد کند. اما در مورد اخیر، ثالث به نمایندگی از جانب

خریدار عمل کرده و وی در قبال اعمال ثالث مسؤوول است و به عبارتی دیگر در صورت عدم انجام صحیح بازرسی آثار آن متوجه وی خواهد شد [۵، ص ۲۰۲]. باید افزود که هرگاه بازرسی نادرست معلول کوتاهی و غفلت نماینده خریدار یا دستورالعمل‌های ناقص خریدار باشد، در چنین وضعیتی خریدار امکان استناد به عدم انطباق را نخواهد داشت. برعکس چنانچه اقدام فروشنده (مانند عدم ارائه فرصت کافی برای بازرسی) موجب بازرسی نادرست کالا توسط نماینده خریدار شود، مشتری همچنان حق استناد به عدم انطباق کالا را خواهد داشت.

۷-۲. آثار تلف کالا یا ورود خسارت به آن در حین بازرسی

یکی دیگر از موضوعاتی که در ارتباط با بازرسی کالا نیازمند بررسی است، این است که اگر در نتیجه بازرسی کالا تعدادی از کالای موضوع قرارداد تلف شود یا متحمل خسارت گردد، آیا چنین امری می‌تواند در امکان استفاده از حق فسخ خریدار یا مطالبه اجرای جایگزین در صورت فراهم بودن شرایط آن‌ها مانعی ایجاد کند یا نه؟ طرح این سؤال از حکم ماده ۸۲ کنوانسیون ناشی می‌شود که به موجب آن هرگاه برای مشتری اعاده کالا عمدتاً به همان وضعیتی که آن‌ها را دریافت داشته است مقدور نباشد، حق اعلام فسخ یا الزام بایع به تسلیم بدل کالا را از دست خواهد داد.

در پاسخ باید بین دو مورد قائل به تفکیک شد. وضعیت اول شامل مواردی است که خریدار با سوءنیت در بازرسی کالا عامل منحصر در ورود خسارت به کالا یا تلف آن است. به عنوان مثال، هرگاه مورد معامله اتومبیل باشد و خریدار برای بازرسی آن قطعات موتور آن را باز کرده و اجزای آن را مستقلاً مورد آزمایش فنی قرار دهد و در اثر اقدام مزبور خسارتی وارد شود، به نظر می‌رسد که با توجه به اصل معقولیت^۱ در کنوانسیون و همچنین ماده ۸۰، حق استناد به فسخ قرارداد یا مطالبه جایگزین کالا را از دست خواهد داد.

1. the principle of reasonableness



اما در صورتی که با وجود بازرسی معقول کالا، خسارتی وارد شود، مسؤلیتی متوجه خریدار نبوده، او می‌تواند به رغم وقوع نقص در کالا در صورت حصول سایر شرایط لازم نسبت به فسخ قرارداد و استرداد کالا به همان وضعیت موجود اقدام کند. باید توجه داشت که بازرسی کالا در برخی موارد مستقیماً سبب ورود خسارت می‌شود، به نحوی که روش دیگری برای بازرسی کالا وجود ندارد. به‌عنوان مثال، برای بازرسی کالایی که از آلیاژ ویژه‌ای ساخته شده است، خریدار ناگزیر است تا تعدادی از قطعات کالای مورد نظر را با دستگاه‌های مخصوص برش داده، از کیفیت آلیاژ قطعات مورد معامله اطمینان حاصل کند.

همچنین همان‌گونه که برخی از حقوقدانان [۱۱، ص ۲۸۳] اشاره کرده‌اند در صورتی که بازرسی کالا متناسب با اوضاع و احوال هر مورد خاص باشد، تلف یا نقص بخشی از کالای موضوع قرارداد خللی به حق خریدار در فسخ قرارداد وارد نخواهد ساخت.

۳. ضرورت ارسال اخطار پس از انجام بازرسی کالا

۳-۱. ارسال اخطار عدم انطباق

در صورتی که خریدار عدم انطباقی را در کالا کشف کند باید اخطار آن را طبق ماده ۳۹ ظرف مدت معقول که حداکثر آن پس از انقضای دو سال از تاریخ تسلیم کالا به وی می‌باشد، به بایع ارسال کند.

باید توجه داشت که مهلت بازرسی کالا با مهلت ارسال اخطار ارتباط کامل دارد و در این خصوص اظهار عقیده شده است که جز در مورد عدم انطباقی که بدون بازرسی کالا قابل احراز است، کل مدت ارسال اخطار عدم انطباق متشکل از دو مهلت جداگانه است که مهلت اول مربوط به بازرسی کالا طبق ماده ۳۸ و مهلت دوم راجع به ارسال اخطار طبق ماده ۳۹ کنوانسیون است [۱۲، ص ۱۲۰].

مع الوصف این تمام سخن نیست و در رویه قضایی و آرای صادر از سوی محاکم به قدری تشتت وجود دارد که امکان تعیین رویه واحد را با دشواری مواجه ساخته است.

اکثر آرای نیز که از سوی محاکم ملی راجع به بازرسی کالا و اخطار عدم انطباق صادر شده، اغلب معطوف تفسیر ماده ۳۹ کنوانسیون بوده است. این آرا بر تعیین زمان معقول برای ارسال اخطار عدم انطباق، تکالیف خریدار در رابطه با کشف عیوب و تصریح لازم به مفاد اخطار تمرکز مضاعفی کرده‌اند [۷، ص ۸۴].

ماده ۳۹ کنوانسیون در مقام بیان دو وضعیت متفاوت است که عدم رعایت آن‌ها از سوی خریدار، وی را از حق استناد به عدم انطباق محروم خواهد ساخت. وضعیت اول هنگامی است که خریدار اخطار عدم انطباق را ظرف مدت معقول پس از این‌که عدم انطباق کالا را کشف کرد یا بایست آن را کشف می‌کرد، به فروشنده ارسال نکند [۱۳، ص ۱۷۰].

وضعیت دوم هنگامی است که خریدار اخطار عدم انطباق را حداکثر ظرف دو سال از تاریخی که عملاً کالا به او تسلیم شده است، به بایع ارسال نکند، مگر این‌که این مهلت با دوره تضمین کالا در قرارداد مغایر باشد.

عدم انطباق در ماده حاضر با کیفیت، کمیت، و وصف کالا در ماده ۳۵ کنوانسیون ارتباط پیدا می‌کند. اخطار مربوط به حقوق و ادعاهای ثالث به طور جداگانه در ماده ۴۳ کنوانسیون مورد توجه واقع شده است [۱۳، ص ۱۷۱].

۳-۲. مفاد و شکل اخطار

صرف ارسال به‌موقع اخطار عدم انطباق کالا امکان استناد به آن را فراهم نمی‌سازد، بلکه طبق بند ۱ ماده ۳۹ چنین اخطاری باید از صراحت کافی برخوردار باشد. هدف از قید مزبور ساختن فرصت لازم برای فروشنده در اتخاذ تصمیم مقتضی نسبت به اعتراض خریدار است. البته در خصوص مفاد اخطار نباید مبالغه کرد. با وجود این باید توجه داشت که ارسال اخطار با ذکر عبارات کلی کافی به مقصود نخواهد بود، مانند آن‌که خریدار اعلام دارد که کالا مشکلاتی را برای وی فراهم ساخته است [۳، ص ۱ تا ۷۴]. در همین راستا در یکی از آرای صادرشده دادگاه مقرر داشت که صرف ارسال



اخطار با این مفاد که کالا منطبق با قرارداد نیست، کافی نخواهد بود.^۱ در هر حال ماده ۸ کنوانسیون که حاکم بر تفسیر الفاظ و اعمال طرفین است، در تعیین صراحت یا عدم صراحت اخطار می‌تواند نقش مهمی بازی کند [۹، ص ۱۷۸].

اما در هر صورت باید توجه داشت تا جایی که به مفاد اخطار مربوط است، نباید بار سنگینی بر دوش خریدار تحمیل کرد. هنگامی که عیب، آشکار است، ذکر جزئیات عیب ضروری است و عدم ذکر آن‌ها به معنای عدم صراحت اخطار عدم انطباق خواهد بود؛ اما هنگامی که کالای تسلیم شده کار نمی‌کند و علائم آن نیز مشخص نیست، کافی است که خریدار علائم و نشانه‌های عیب کالا را بدون این‌که مجبور به تهیه جزئیات راجع به علت آن‌ها باشد، ارسال کند [۲، ص ۱۵۸].

ماده ۳۹ راجع به شکل اخطار ساکت است [۹، ص ۱۷۶]، اما با توجه به اصل کلی مقرر در ماده ۱۱ کنوانسیون که رعایت شکل خاصی را برای انعقاد بیع لازم تلقی نکرده است، می‌توان گفت که شکل خاصی برای اخطار عدم انطباق لازم نیست [۱۴، ص ۱ تا ۸۸]. در نتیجه اخطار می‌تواند به صورت کتبی یا شفاهی باشد. اما به اعتقاد پروفیسور «شلختریم» در صورتی که اخطار به صورت شفاهی یا از طریق تلفن انجام گیرد، مخاطب باید آن را استماع کرده، در صورت اختلاف بار اثبات بر دوش اعلام‌کننده قرار می‌گیرد [۳، ص ۱ تا ۷۴]. با این حال باید توجه داشت که در هر حال طرفین می‌توانند نسبت به رعایت شکل خاص اخطار توافق کنند [۱۵، ص ۳۲۳؛ ۹، ص ۱۷۶].

۳-۳. مهلت معقول ارسال اخطار عدم انطباق

درخصوص نحوه تفسیر مهلت معقول در بند ۱ ماده ۳۹ آرای زیادی صادر شده است که با یکدیگر مغایرت دارند و امکان اعمال هماهنگ کنوانسیون را با مشکل مواجه ساخته‌اند [۱۲، ص ۱۰۳]. بند ۱ ماده ۳۹ لازم می‌داند که اخطار ظرف مدت معقول پس

1. Landgericht Hannover, Germany, 01.12.1993, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id=167>

از این‌که خریدار عدم انطباق را کشف کرد یا بایست کشف می‌کرد، ارسال گردد. در این ارتباط توجه به مفاد ماده ۳۸ راجع به بازرسی کالا ضروری است. با توجه به مواد ۳۸ و ۳۹ کنوانسیون می‌توان گفت که مدت معقول از زمان کشف عدم انطباق شروع می‌شود، زیرا همان‌گونه که فوقاً نیز اشاره شد، مواد مذکور باید در کنار یکدیگر تفسیر گردند تا جایی که برخی از حقوقدانان [۲، ص ۱۶۱] بیان داشته‌اند که خریدار می‌تواند تأخیر در امر بازرسی را با ارسال سریع اخطار عدم انطباق جبران کند که حاکی از این است که دو مهلت مذکور متفاوت از یکدیگر است. درخصوص عیوب آشکار، شروع مهلت معقول معمولاً هنگام قبض و بازرسی کالا است. اما در ارتباط با عیوب پنهان، زمان کشف عدم انطباق می‌تواند برحسب مورد متفاوت باشد و زمان شروع استفاده از کالا یا به‌کارگیری آن یا حتی زمانی دیرتر برحسب اوضاع و احوال باشد [۶، ص ۱۶۰]. در تعیین زمان معقول نمی‌توان یک مهلت ثابت و بدون تغییر وضع کرد و همان‌گونه که برخی از حقوقدانان نیز بیان داشته‌اند باید به تمام شرایط و اوضاع و احوال خاص قضیه توجه کافی مبذول داشت^۱ [۱۶، ص ۲۳۴]. برای مثال، بازرسی کالا در مقصد، در مورد کانتینرهایی که برای نشان دادن وضعیت ظاهری کالا باز گذاشته می‌شوند، می‌تواند به کشف عیب کالا کمک کند، اما محتویات کانتینرهای مهروموم شده یا وضعیت عملکرد درونی ماشین‌آلات ممکن است تا مدت‌ها بعد قابل کشف نباشد. لذا در تعیین مهلت معقول برای ارسال اخطار عدم انطباق عوامل متعددی مؤثر است که از جمله آن‌ها می‌توان به قابلیت فساد کالا، ضرورت بی‌طرفی در نمونه‌برداری و بازرسی و امکان جبران آن توسط بایع اشاره کرد [۸، ص ۲۸۰؛ ۱۷، ص ۲۴۳]. به هر طریق موضوع باید همواره بر مبنای وقایع خاص هر قضیه رسیدگی شود [۲، ص ۱۶۱].

1. CISG Advisory Council Opinion No. 2, available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/CISG-AC-op2.html>

۳-۴. آغاز مهلت ارسال اخطار

زمان معقولی که خریدار طبق بند ۱ ماده ۳۹ باید اخطار را به بائع ارسال کند، از لحظه‌ای شروع می‌شود که خریدار عدم انطباق را کشف کرده یا بایست کشف می‌کرده است. در نتیجه هریک از دو مورد اخیر زودتر اتفاق افتد، مهلت برای ارسال اخطار از سوی خریدار آغاز می‌گردد، یعنی زمانی که خریدار عملاً عدم انطباق را کشف کرده است یا هنگامی که خریدار به لحاظ نظری بایست عدم انطباق را کشف می‌کرد^۱ [ص ۹۱].

بنابراین هنگامی که بازرسی عملاً انجام شده است، مهلت اخطار از این لحظه شروع خواهد شد، مشروط بر این‌که بازرسی در کوتاه‌ترین زمانی که بعد از تسلیم ممکن بوده انجام شود. در صورتی که خریدار طبق ماده ۲۸ کنوانسیون بازرسی کالا را در کوتاه‌ترین مدت ممکن انجام ندهد یا اصلاً بازرسی را انجام ندهد، مهلت ارسال اخطار بعد از مدتی که ظرف آن بازرسی بایست انجام می‌گرفت خواهد بود [ص ۲، ۱۵۹].

۳-۵. مخاطب و عامل ارسال اخطار

مطابق با ماده ۳۹ کنوانسیون اخطار عدم انطباق باید به فروشنده ارسال گردد. از این رو مقرر شده است که مراسلات بین خریدار و مشتریانش راجع به عیب کالا شرایط اخطار در ماده ۳۹ را برآورده نمی‌سازد. همچنین اخطاری که به تولیدکننده کالا غیر از فروشنده ارسال شود، کافی به مقصود نخواهد بود، مگر آن‌که اثبات شود تولیدکننده اطلاعات را در ظرف مهلت معقول مقرر در بند ۱ ماده ۳۹ به فروشنده منتقل کرده است [ص ۱۷۶]. در واقع ارسال اخطار به غیر از فروشنده تابع قواعد نمایندگی است که در کنوانسیون مقرراتی در این خصوص وجود ندارد و قانون حاکم که با ملاحظه قواعد حل تعارض مشخص می‌شود بر آن حکومت خواهد کرد [ص ۱۸، ۱۹۷].

1. Oberlandesgericht Oldenburg, Germany, 05.12.2000, available at <http://www.unilex.info/case.cfm?id=500>.

مطابق ماده ۳۹ کنوانسیون ارسال اخطار عدم انطباق به عهده خریدار است. با وجود این، اخطاری که توسط مشتری خریدار (مشتری دست دوم) به فروشنده ارسال می‌شود و حاوی اعتراض به موقع و صریح نسبت به کیفیت کالا است و بایع نیز اعتراض مزبور را به‌عنوان اخطار عدم انطباق تلقی کرده و به آن پاسخ داده باشد و یا شخصاً امر بازرسی کالا را تقبل کند، معتبر است و مطابق با ماده ۳۹ کنوانسیون در نظر گرفته می‌شود [۹، ص ۱۷۷].

۳-۶. مهلت ارسال اخطار طبق ماده (۲) ۳۹ کنوانسیون

در برخی از نظام‌های حقوقی به لزوم ارسال اخطار در زمان معقول تصریح شده و مهلت نهایی برای این امر پیش‌بینی نشده است. در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی مهلت یک ساله یا کمتر برای ارسال اخطار عدم انطباق مقرر شده است. مهلت دو ساله در بند ۲ ماده ۳۹ حاصل سازش میان نمایندگان کشورهای مختلف است. بند مزبور با عبارت «در هر حال» آغاز شده است، بدین معنا که اخطار عدم انطباق در هر حال باید ظرف مدت دو سال ارسال گردد و حتی در صورتی که عیب مورد ادعا متعاقب دو سال کشف گردد و نیز در صورتی که ضوابط کلی بند ۱ ماده ۳۹ و ۴۴ با ارسال اخطار بعدی تحقق یابد به اخطار مزبور ترتیب اثر داده خواهد شد [۸، ص ۲۸۱].

عیوب پنهانی که در زمان قبض کالا قابل کشف نیست ممکن است هنگام استفاده از کالا آشکار شود. هرچه در کشف عیوب تأخیر شود، تصمیم‌گیری راجع به این‌که آیا عیوب مزبور ناشی از نقض تعهد از سوی بایع بوده است یا از علت خارجی پس از انتقال ضمان، مانند استفاده نادرست کالا از سوی خریدار ناشی شده، دشوار خواهد شد [۶، ص ۱۶۱]. از این رو بند ۲ ماده ۳۹ حداکثر مهلت ارسال اخطار را به ۲ سال محدود کرده است.

مهلت نهایی برای ارسال اخطار عدم انطباق در بند دوم هنگامی آغاز می‌گردد که کالا عملاً در اختیار خریدار قرار می‌گیرد. در ضرورت تصریح قانونگذار به شروع



مهلت دو ساله از تاریخی که کالا عملاً به خریدار تسلیم می‌شود، اظهار شده است که در غیر این صورت ممکن بود چنین تفسیر شود که زمان حمل کالا نیز باید در محاسبه مهلت دو ساله ملاحظه گردد. در نتیجه ماده با تصریح به ضرورت تسلیم عملی کالا، از بروز چنین ابهامی جلوگیری کرده است [۲، ص ۱۶۲].

طبق صریح ماده مهلت دو ساله هنگامی که مهلت مزبور مغایر با دوره تضمین کالا باشد، اعمال نخواهد شد؛ مانند موردی که فروشنده جبران عیب ناشی از کالا را به مدت ۵ سال ضمانت کند. به عنوان قاعده کلی در جایی که ضمانت قراردادی بیش‌تر از مهلت دو ساله در ماده (۲) ۳۹ کنوانسیون باشد، دلیل محکمی از مغایرت وجود خواهد داشت، بدین طریق که مهلت مقرر در بند ۲ ماده ۳۹ تنها زمانی باید خاتمه یافته تلقی گردد که دوره ضمانت پیش‌بینی شده منقضی گردد. علاوه بر این طرفین می‌توانند قاعده مقرر در ماده (۲) ۳۹ را برای مثال با توافق بر مهلت نهایی کم‌تر اصلاح یا مستثنا کنند [۶، ص ۱۶۲].

۴. حقوق ایران

در قانون مدنی ایران همانند بسیاری از کشورهای حقوق نوشته قواعدی در خصوص بازرسی کالا پیش‌بینی نشده است. مع الوصف برخی از نویسندگان [۱۹، ص ۴۵۱ و ۴۵۲] با استناد به برخی از مواد قانونی مانند ماده ۴۱۰ ق.م. بیان داشته‌اند که موضوع بازرسی کالا در حقوق ایران نیز می‌تواند موضوعیت داشته باشد. طبق ماده ۴۱۰ ق.م. «هرگاه کسی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد، بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد، مختار می‌شود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید». به اعتقاد نویسنده مزبور واژه «دیدن» در ماده مذکور باید به معنای معاینه و بازرسی تعبیر شود که حسب مورد می‌تواند ناظر به لمس کردن، چشیدن و حتی شنیدن و غیر آن باشد و تصریح قانونگذار به «دیدن» بر ساده‌ترین وسیله بازرسی دلالت دارد؛ اما در صورتی که شرایط و اوضاع و احوال اقتضا کند، این امر

می‌تواند مستلزم استفاده از وسایل خاص و ویژه باشد.

همچنین امر بازرسی کالا در آیین‌نامه تأیید صلاحیت شرکت‌های بازرسی‌کننده و ضوابط بازرسی کالاها مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۶ هیأت وزیران^۱ مورد تصریح قرار گرفته است. به موجب بند «پ» ماده ۱ آیین‌نامه مذکور، بازرسی کالا عبارت از کنترل کمی، کیفی، بسته‌بندی و تعیین ارزش کالاهای وارداتی و صادراتی است که برای انطباق آن با مفاد اسناد خرید از جانب خریدار و یا جانشین قانونی او انجام می‌گیرد. گستره بازرسی در آیین‌نامه مذکور محدود به کیفیت کالا نیست و کمیت و بسته‌بندی آن را نیز شامل می‌شود.

البته لازم به ذکر است که آیین‌نامه مزبور مفهوم بازرسی را در کالاهای وارداتی و صادراتی مد نظر قرار داده و اشاره‌ای به بازرسی کالا در قلمرو قراردادهای داخلی نکرده است. با این حال در انجام امر بازرسی در بیع‌های داخلی منعی وجود ندارد و طرفین می‌توانند در قرارداد شرط ناظر بر بازرسی کالا را پیش‌بینی کنند و بدیهی است که چنانچه راجع به جزئیات امر بازرسی تصریحی به عمل نیامده باشد، می‌توان از احکام پیش‌بینی شده در آیین‌نامه با ملاک واحد مذکور کمک گرفت.

باید توجه داشت همانند کنوانسیون، بازرسی کالا از سوی خریدار الزامی نبوده، وی می‌تواند از انجام بازرسی خودداری کند. با این حال، هرگاه خریدار از طریق دیگری به عدم انطباق کالا آگاهی یابد، حق او در مراجعه به بائع محفوظ خواهد بود. این موضوع از اطلاق احکام مربوط به خیار عیب در قانون مدنی ما استنباط می‌شود و پیش شرط فسخ معامله یا مطالبه ارزش به جهت عیب مورد معامله، بازرسی کالا از سوی خریدار نیست.

اما در مواردی که خریدار امر بازرسی را عهده‌دار می‌شود، در رابطه با نحوه و گستره بازرسی در حقوق ایران نیز می‌توان گفت در صورتی که قرارداد شرایط و گستره بازرسی را مشخص کرده باشد، مسلماً باید بر مبنای شروط مزبور، متعهد

1. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/789988>.



بازرسی نسبت به انجام آن اقدام کند. اما در صورت سکوت قرارداد، سؤال این است که آیا همانند کنوانسیون در حقوق ایران نیز امکان استناد به اصل معقولیت یا معقول بودن امر بازرسی وجود دارد یا نه؟

در پاسخ به سؤال مذکور برخی [۱، ص ۱۴۶] با استناد به بند ۵ از بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۹۳ مورخه ۸۴/۶/۹ بانک مرکزی بیان کرده‌اند که بازرس باید امر بازرسی را متناسب با نوع کالا و سایر شرایط و اوضاع و احوال انجام دهد والا ممکن است به دلیل قصور از انتخاب چنین روشی مسئول شناخته شود.

به نظر می‌رسد که معیار یاد شده درخصوص نحوه بازرسی کالا حتی در صورتی که خریدار خود شخصاً عهده دار بازرسی کالا گردیده، صادق خواهد بود.

در حقوق ایران مقرره خاصی درخصوص پرداخت کننده هزینه بازرسی کالا وجود ندارد، اما با استناد به قاعده فقهی «من له الغنم فعيله الغرم» می‌توان نتیجه گرفت که به عنوان قاعده کلی مشتری متعهد پرداخت هزینه بازرسی کالا است، مگر این‌که طرفین به نحو دیگری در این خصوص توافق کرده باشند یا عرف و عادت از این جهت حکم دیگری داشته باشد (ماده ۲۲۰ ق.م). در چنین حالتی می‌توان استدلال کرد که این خریدار است که از بازرسی منتفع می‌شود و می‌تواند درخصوص کالای خریداری شده حقوق مربوط را اعمال کند. پس هزینه‌های بازرسی هم به عهده او است.

در آیین‌نامه هیأت وزیران اشاره‌ای به مکان و زمان بازرسی کالا نشده است و به نظر می‌رسد که امکان بازرسی کالا باید به حداقل زمان معقول محدود شود، زیرا هر اندازه زمان بازرسی طولانی در نظر گرفته شود، تشخیص این‌که عدم انطباق کالا متناسب به تخلف فروشنده از مفاد قرارداد بوده یا نه مشکل خواهد بود. با این حال باید توجه داشت که مطابق ماده ۴۳۵ ق.م. خیار عیب بعد از علم به آن فوری است و چه بسا احتمال دارد که خریدار مدتی طولانی پس از قبض مال و بدون آن‌که آن را مورد بازرسی قرار داده باشد، از عیب آن آگاه شود و در مقام فسخ معامله برآید. پیش‌بینی نهاد بازرسی در این وضعیت مفید به نظر می‌رسد، زیرا توجیه منطقی ندارد که مثلاً یک

سال بعد از تسلیم کالا خریدار متوجه عیب آن شود و بخواهد معامله را فسخ کند، خصوصاً این‌که در اقدامی غیر قابل توجیه از سوی قانونگذار، احکامی راجع به مرور زمان ناشی از دعاوی ناشی از قراردادهای در قانون آیین دادرسی مدنی جدید پیش‌بینی نشده و ضرورت تعیین تکلیف نهایی نسبت به کالایی که تسلیم خریدار شده است، ایجاب می‌کند که مشتری ملزم به بازرسی کالا در زمان اندکی پس از تسلیم آن باشد. به موجب بند «ت» ماده یک آیین‌نامه مزبور قرارداد بازرسی سندی است که میان خریدار و شرکت بازرسی‌کننده مورد توافق قرار می‌گیرد و در آن دامنه بازرسی تعیین می‌شود. اما باید توجه داشت همان‌گونه که برخی از شارحین کنوانسیون بیان داشته‌اند، طرفین می‌توانند در انتخاب بازرس مشارکت کنند و منعی در این خصوص به نظر نمی‌رسد.

ماده ۱۳ آیین‌نامه مزبور وظایفی را برای شرکت‌های بازرسی‌کننده در قبال خریدار پیش‌بینی کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به انجام بازرسی کالا و خدمات براساس مفاد قرارداد بازرسی و نیز اعمال دقت و مهارت لازم در امر بازرسی اشاره کرد. باید توجه داشت که وظیفه بازرس در رابطه با نحوه بازرسی چنانچه مفاد قرارداد از صراحت کافی برخوردار نباشد، تابع عرف و عادت خواهد بود؛ چراکه در رابطه قراردادی خریدار و بازرس کالا ماده ۲۲۰ ق.م. حکومت می‌کند.

برخلاف کنوانسیون و از آن‌جا که بازرسی کالا در حقوق ایران الزامی نیست و هیچ اثری بر آن مترتب نیست، عدم بازرسی کالا توسط خریدار حق وی را در استناد به ضمانت اجرای ناشی از عدم انطباق کالا زایل نمی‌سازد و بنابراین خریداری که امر بازرسی را انجام نداده است، می‌تواند متعاقباً به عدم انطباق کمی یا کیفی کالا در مقابل فروشنده استناد کند.

با توجه به الزامی نبودن امر بازرسی در حقوق ایران، ارسال اخطار عدم انطباق به فروشنده ضرورتی ندارد و خریدار می‌تواند پس از کشف هرگونه عدم انطباق به هر یک از ضمانت‌اجراهای قابل دسترس (مانند الزام به انجام تعهد، فسخ، مطالبه خسارت یا

ارش) متوسل شود.

۵. نتیجه‌گیری

به دلیل اهمیت امر بازرسی، کنوانسیون در مواد ۳۸ و ۳۹ کنوانسیون احکام خاصی را در رابطه با آن پیش‌بینی کرده است. اما مقررات مزبور در رابطه با برخی از موضوعات مانند مهلت معقول ابهام دارد و راجع به برخی از موضوعات نیز مانند مکان انجام بازرسی ساکت است که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفت. به‌عنوان قاعده کلی می‌توان گفت که در تمام موارد تحت شمول ماده ۳۸ و ۳۹ اراده طرفین نقش اصلی را بازی خواهد کرد و در فقدان توافق طرفین حکم مسأله با مراجعه به معیارهایی از قبیل کوتاه‌ترین زمان ممکن، اصل معقولیت و توجه به تمام اوضاع و احوال مشخص خواهد شد. در قانون مدنی ایران حکم خاصی در رابطه با بازرسی کالا و ارسال اخطار عدم انطباق وجود ندارد. اما با مراجعه به برخی از مقررات پراکنده و قواعد کلی مانند «من له الغنم فعيله الغرم» می‌توان احکامی را در این خصوص استخراج کرد. مطابق مطالعه حاضر مقررات موجود ایران در برخی از زمینه‌ها مانند قلمرو امر بازرسی و هزینه‌های انجام آن با کنوانسیون هماهنگی‌هایی دارد؛ اما در برخی از موضوعات با مقررات کنوانسیون مغایر است. به‌عنوان مثال در حقوق ایران عدم بازرسی کالا و عدم ارسال اخطار عدم انطباق، خریدار را از استناد به آن محروم نمی‌سازد.

۶. منابع

- [۱] پاویز، یحیی، مؤسسات بازرسی‌کننده کالا و خدمات و تعادل قراردادی، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
- [2] Huber Peter & Mullis Alastair, "A New Textbook for Student and Practitioners", Sellier, 2007.
- [3] Kuoppala Sanna, "Examination of the Goods under the CISG and the

- Finish Sale of Goods Act*”, available at <http://www.Cisg.law.pace.edu/Cisg/biblio/kaoppala.html>.
- [4] Vilus Jelena, “*Provisions Common to The Obligations of The Seller and The Buyer*”, available at <http://www.Cisg.law.pace.edu/Cisg/biblio/Vilus.html>.
- [5] Fišer-Šobot Sandra, “*Duty to Examine the Goods in International Law of Sales*”, *Belgrade Law Review*, 2011, available at <http://www.Cisg.Law.pace.edu/cisg/biblio/fiser.sobot.html>.
- [6] Enderlein Fritz & Maskow Dietrich, “*International Sales Law*”, *Oceana*, 1992.
- [7] Larry A. DiMatteo & others, “*International Sales Law: A Critical Analysis of CISG Jurisprudence*”, *Cambridge University Press*, 2005.
- [8] Honnold John, “*Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*”, 3rd Ed, *Kluwer Law International*, 1999.
- [9] UNCITRAL Digest of Case Law on the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, 2012.
- [10] Sonja A Kruisinga, “*Non-Conformity in the 1980 UN Convention on the International Sale of Goods: A Uniform Concept?*” *Intersentia*, 2004.
- [۱۱] میرزا نژاد جویباری، اکبر، «ناممکن شدن رد مبیع و اعمال حق فسخ خریدار بررسی تطبیقی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران»، مجله حقوقی، نشریه مرکز حقوقی بین‌المللی معاونت و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۳، ۱۳۸۴.
- [12] Schwenzer Ingeborg, “*National Preconception that Endanger Uniformity*”, *Pace International Law Review*, 2007.
- [13] Enderlin Fritz, “*Rights and Obligations of the Seller under the UN*

Convention on Contracts for the International Sale of Goods”, in P Sarcevic & Paul Volken (eds), “*International Sale of Goods*”, Oceana, 1996.

[14] Muñoz R. David, “*the Rules on Communication of Defects in the CISG: Static Rules and Dynamic Environments: Different Scenarios for a Single Player*”, available at <http://www.Cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/Munoz.html>.

[15] Schwenzer Ingeborg & Fountoulakis Christiana, “*International Sales Law*”, Routledge. Cavendish, 2007.

[16] Ferrari Franco, “*Tribunale di Vigevano: Specific Aspects of the CISG Uniformly Dealt with*”, *Journal of Law and Commerce*, 2001.

[17] Girsberger Daniel, “*the Time Limits of Article 39 CISG*”, *Journal of Law and Commerce*, 2005-2006.

[۱۸] صفائی، سید حسین و همکاران، حقوق بیع بین‌المللی، چ ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

[۱۹] پاویز، یحیی، «بازرسی کالا و خدمات در تجارت بین‌الملل و اهداف آن»، مجله تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه شماره ۱)، بهار و تابستان ۱۳۸۸.